

لاله‌زار- عرصه تفرج، از باغ تا خیابان

شکل‌گیری خیابان به سبک اروپایی در دوره ناصرالدین شاه*

دکتر سید محسن حبیبی^۱، دکتر زهرا اهری^۲

^۱ استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲ استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۰/۰۶/۸۶، تاریخ پذیرش: ۰۷/۰۷/۸۷)

چکیده:

گسترش روابط ایران با غرب در زمان ناصرالدین شاه، زمینه را برای ورود افکار، الگوها و اشیاء فرنگی باز کرد. گرته برداری از الگوهای فرنگی در شهرسازی خود را در طرح توسعه شهر تهران و تبدیل آن به دارالخلافه ناصری و ایجاد فضاهایی با حال و هوای فرنگی نمایاند. خیابان لاله‌زار که در بخشی از باغ لاله‌زار (باغ تفرج‌گاهی سلطنتی بیرون شهری دوران فتحعلی‌شاه) ایجاد گردید، از جمله شاخص‌ترین این فضاهای است. این خیابان با تجهیز شدن به تأسیسات جدید شهری و آراسته شدن با سبک‌های جدید معماری و فراهم آوردن مکانی نو، دروازه‌ای به غرب و ویترین نمایش نوارگی شد. نمودهای زندگی مدرن شهری مانند پارک و باغ وحش که مفهوم اوقات فراغت را به گونه‌ای نو مطرح می‌کردند، در آن ایجاد شدند. تجهیزات نوین مثل چراغ گاز و واگن اسبی شbahت شکلی آن را با نمونه‌های اروپایی کاملتر کردند. هر چند مقصودی مشابه شهر اروپایی از ایجادشان دنبال نمی‌شد. حضور زنان برای تفرج و گردش آغاز عصر جدیدی در حیات شهری بود که تا آن زمان بی سابقه بود. این مقاله شرح ظهور خیابان لاله‌زار در دوران ناصری و خصوصیات آن از جنبه‌های گوناگون كالبدی، فضایی و حیات شهری است.

واژه‌های کلیدی:

باغ، خیابان، طرح نو، فرنگی‌آبی، چراغ گاز، تراموا.

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی "تجربه نووارگی (مدونیت) ایرانی در خلق عرصه عمومی و فضای شهری" است که توسط دکتر سید محسن حبیبی و دکتر زهرا اهری بین سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ در دانشکده هنرهای زیبا- دانشگاه تهران انجام شده است. همکاران طرح پژوهشی عبارت بودند از: محمد توپچی، مهندس ژاله جلیلی، راحله حسینی و مهندس فریبا طوفانی.
** نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۶۱۸۷۸۸، نامبر: ۰۲۱-۶۶۴۶۱۵۰۴. E-mail: smhabibi@ut.ac.ir

مقدمه

ونهادها در اراضی خاصه و خالصه ساخته می‌شود. با غ لاله زار نیز که یکی از فضاهای تفریحی بیرون شهری دربار قاجار از زمان فتحعلیشاه بود، در این تغییر و تحول، به سبب نزدیکی به تهران و قرار گرفتن در درون محدوده دارالخلافه ناصری به یکی از عرصه‌های مهم برای ایجاد نهادها و فضاهای مدرن شهری به "شیوهٔ غربی تبدیل می‌شود. در این مقاله با بررسی سیر تحول با غ لاله زار از زمان ساخته شدن آن و مشخص کردن خصوصیات کالبدی، کارکردی و فضایی آن، چگونگی ایجاد خیابان لاله زار و سایر نهادهای مدرن در محوطه با غ و پیرامون آن نشان داده می‌شود. این بررسی آشکار می‌کند که خیابان لاله زار فضایی با روحیهٔ فرنگی مآبانه و بازنمود تأثیراتی است که در برخورد با خیابان‌های محصول دوران مدرن و از آن جمله شانزه لیزه گرفته شده است.

اولین تلاش‌ها برای کسب دستاوردهای تمدن غرب در دوران مدرن به زمان ولایت‌عهدی عباس میرزا و تصمیم‌وی برای فرستادن دانشجویان به فرنگ جهت کسب دانش نوین می‌رسد. اما تا زمان ناصرالدین شاه این دستاوردها در حوزهٔ شهری نمود روشنی نمی‌یابد.^۱ در واقع در دورهٔ طولانی سلطنت‌وی، اولین گامها در جهت تجدید سازمان شهر تهران به "آیین" شهرهای اروپایی با برداشته شدن حصار شاه طهماسبی و گنجاندن حاشیه‌های پرجمعیت شهر در درون حصار جدید برداشته می‌شود تا در رقابت با استانبول مرکز خلافت عثمانی، دارالخلافه ناصری-مرکز سلطنت‌شیعی- شکل بگیرد. با سفر ناصرالدین شاه به فرنگ و مشاهده دستاوردهای مدرنیته که اغواکننده ترین تجلی خود را در فضای شهری بازمی‌نمایاند، ایجاد فضاهای و نهادهایی به اطوار فرنگی در دستور کار قرار می‌گیرد. بخشی از مهم‌ترین این گونه فضاهای

لاله‌زار: باغی بیرون از حصار

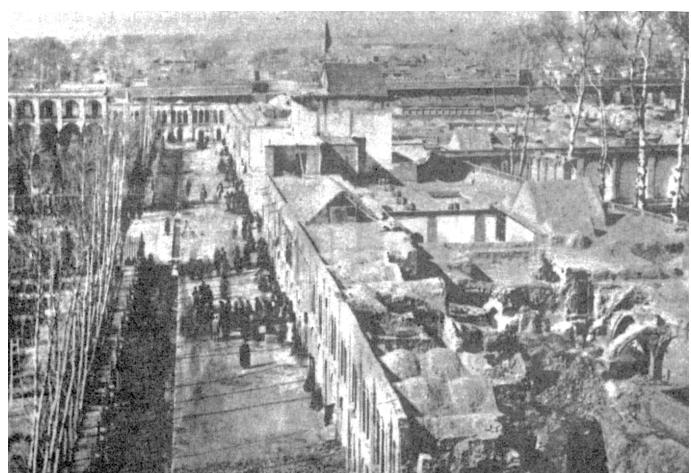
برون شهری مکانی برای شادمانی‌ها و جشن‌های خصوصی دربار بود (تکمیل همایون، ۱۳۷۸). اعتماد السلطنه در خاطرات خود می‌نویسد: [به] لاله زار رفتم که آنجارا حاضر کنم، بلکه شاه آنجا تشریف بیاورند (اعتماد السلطنه، ۱۲۵۶، ۵۵). به جز شاه "اعیان و رجال و بزرگان قوم" نیز در "روزهای تعطیل و گاهی عصرها سواره با کالسکه به آنجا می‌رفتند و گشت و گذاری می‌کردند (نجمی، ۱۳۵۶، ۱۵۶). با غ لاله‌زار در عین حال محل اقامات موقت درباریان نیز بود. مثلاً قائم مقام فراهانی قبل از این که به با غ نگارستان فراخوانده شود و به قتل برسد در با غ لاله زار اقامات می‌داشت (هدایت، ۱۳۳۹، ۱۶۴). از نمایندگان ممالک خارجی نیز در با غ لاله زار پذیرایی می‌شد و همان طور که در بالا گفته شد، زنرا لگاره از این باغ نگارستان در شمال ارگ بود. این دسترسی به با غ لاله زار از طریق دروازه دولت در شمال ارگ بود. این با غ چنان که از بررسی نقشه سال ۱۸۲۶ میلادی (۱۲۰۵ شمسی) بر می‌آید، در مقایسه با با غ نگارستان با غی کوچک است که با تعدادی جالیز با چیز محسور شده است (مهریار، ۱۳۷۸، ۱۵۰-۱۵۱).

این با غ، مکان تفریج و تفریح شاه قاجار بود. فتحعلی‌شاو و محمد میرزا فرزند عباس میرزا سواره از ارگ برای گردش به با غ لاله زار می‌رفتند (نجمی، ۱۳۷۰، ۳۰)، چون همیشه و در ایام سیزده بدر به عنوان عرصه‌ای

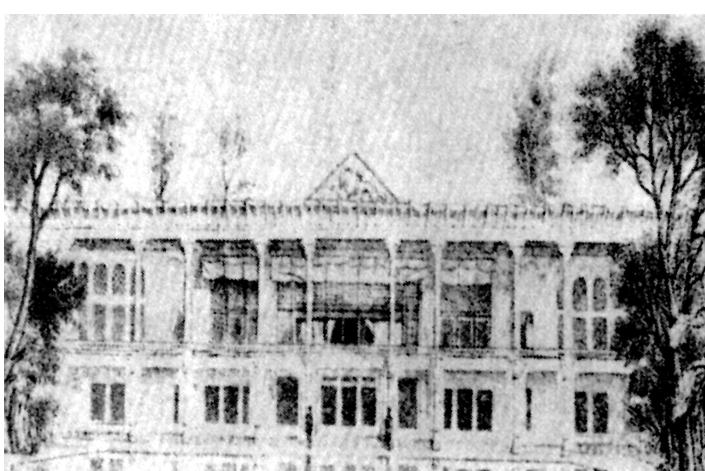
با غ لاله زار از فضاهای ساخته شده در زمان فتحعلی شاه قاجار و نزدیکترین با غ سلطنتی به شهر تهران، بیرون از حصار شاه طهماسبی بود. این که با غ در چه زمانی ساخته شده روشن نیست، اما در سال ۱۵۴۱ م.ش (۱۲۲۲ ق.ق.) زمانی که نگارستان را می‌ساختند^۲، زنرا لگاره از تهران می‌آید و در با غ لاله زار اسکان می‌یابد (کریمان، ۱۳۵۵، ۲۰۵). به دیگر سخن، این با غ برون شهری قبل از ۱۱۹۰ م.ش. وجود داشته است.

دسترسی به با غ لاله زار از طریق دروازه دولت در شمال ارگ بود. این با غ چنان که از بررسی نقشه سال ۱۸۲۶ میلادی (۱۲۰۵ شمسی) بر می‌آید، در مقایسه با با غ نگارستان با غی کوچک است که با تعدادی جالیز با چیز محسور شده است (مهریار، ۱۳۷۸، ۱۵۰-۱۵۱).

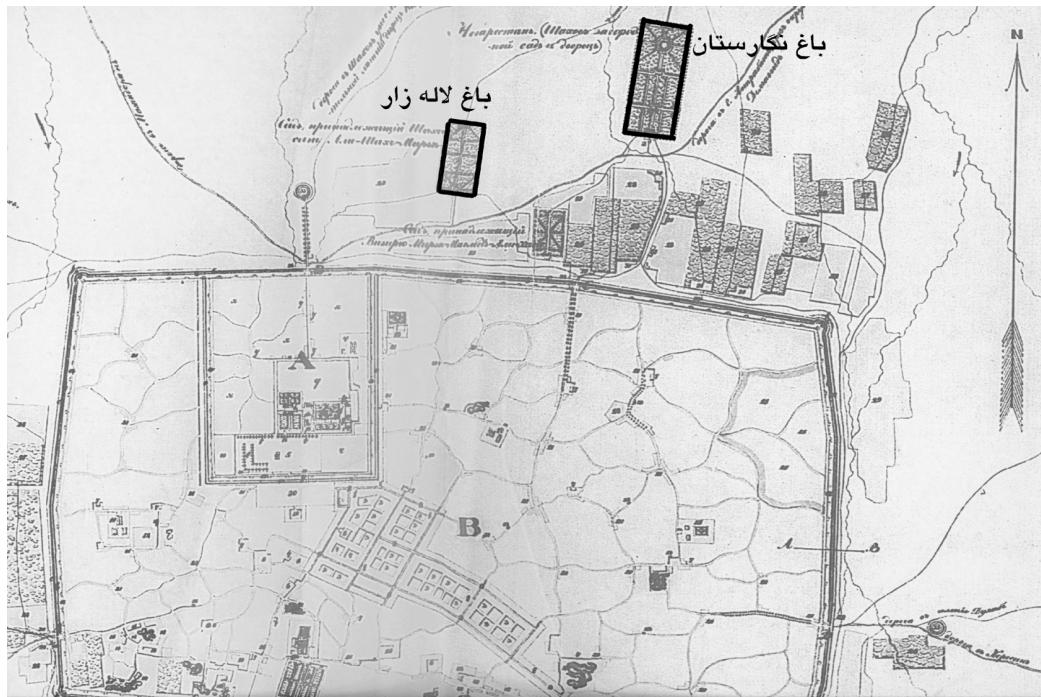
این با غ، مکان تفریج و تفریح شاه قاجار بود. فتحعلی‌شاو و محمد میرزا فرزند عباس میرزا سواره از ارگ برای گردش به با غ لاله زار می‌رفتند (نجمی، ۱۳۷۰، ۳۰)، چون همیشه و در ایام سیزده بدر به عنوان عرصه‌ای



تصویر ۱- بنایی موجود در با غ لاله زار در زمان ناصرالدین شاه قبل از ایجاد خیابان در آن.
ماخذ: (تهمی، ابریشمی، ۱۳۸۴)



تصویر ۲- قصر لاله زار.
ماخذ: (تهمی، ابریشمی، ۱۳۸۴)



نقشه ۱- باغ لاله زار و موقعیت آن در سال ۱۸۲۶ م.ق. (۵۱۲۰ هجری).
مأخذ: (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸)

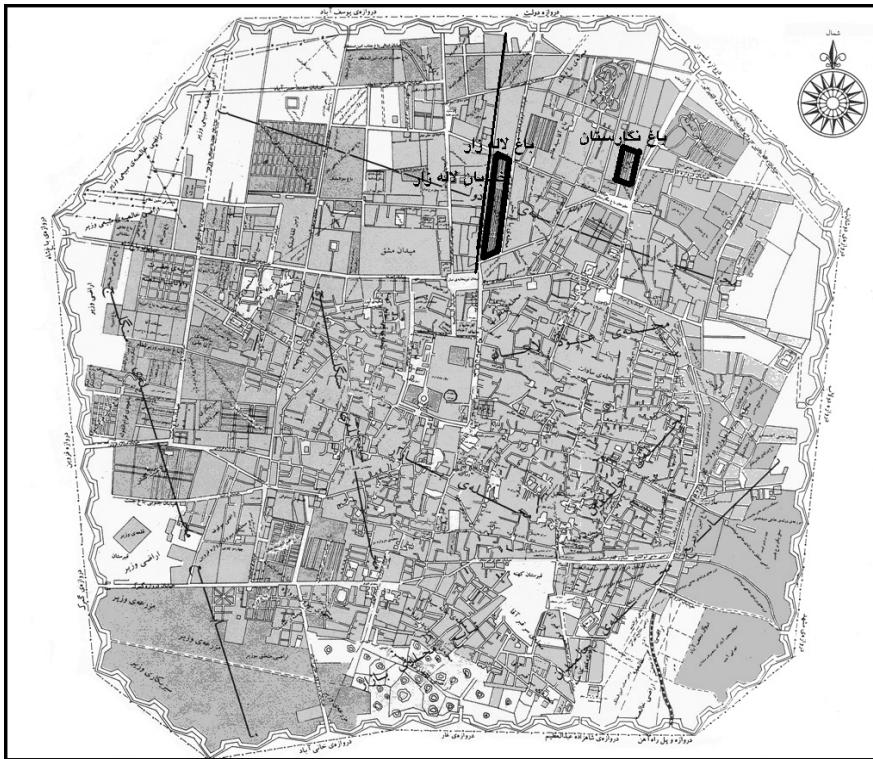
حصار تهران - در شهر و باروی جدید قرار گرفته و نقش تفرجگاه درون شهری می یابند. بدین ترتیب باغ لاله زار و باغ نگارستان، دگردیسی خود را از فضاهای خصوصی و عرصه برون شهری درباری به فضای نیمه خصوصی و نیمه عمومی درون شهری آغاز می کنند و تعریفی نو در عرصه شهر را جستجو می کنند. شهری که بر آن است که از این پس حال و هوایی فرنگی یابد.

طرح جدید شهر تهران، انگاره ای تازه برای خیابان بندی شهر رقم می زند، انگاره ای مبتنی بر خطوط قائم الزاویه. چهره شهر تغییری جدی می یابد و آرایشی فرنگی به خود می گیرد. چنان که اعتماد السلطنه می نویسد:

"...و دیگر، خیابان های دارالخلافه است که چهار خط آن به شکل مربع انبیه ارگ مبارک را در میان گرفته و مربع دیگر به هزاران بار از آن بزرگ تر خود شهر طهران قدیم را احاطه کرده است و از این هشت خط مذبور خیابان های دیگر بریده و به جمیع دروازه های دوازده گانه دارالخلافه ناصری کشیده شده است... و بر دو کرانه غالب این شوارع بیشمار همه جا غرس اشجار شده و حفر انها گردیده است... و مابین تمامی این خطوط خیابان بیرونی و درونی به دست مهندسان چاپک و قیمان چالاک برآئین معابر عامه اروپا "شوسه" شده است. همه جا عراده می رود و کالسکه می گردد" (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲، ۸۸).

bagh-e laleh zar در مناسبت های دیگر نیز مورد استفاده دربار قرار می گرفت. مثلاً در مراسم فوت محمد شاه جسد وی را از قصر محمدیه به آنجا آورده و مراسم سوگواری را در bagh-e lalهزار انجام می دهند(هدایت، ۱۲۳۹، ۳۵۴)، یا در مراسم ازدواج ناصرالدین میرزا، عروس را که در bagh-e laleh zar بود، سوار مركب کرده و در معیت امرا و شاهزادگان به نگارستان می آورند. در واقع در این دوره bagh-e lalهزار باعی است تفریحی که هرچند جایگاه و موقعیت bagh-e nkarstan را به عنوان bagh-nshastnگاه سلطنتی خارج از حصار شهر ندارد^۳، اما به عنوان bagh-tfrjgah سلطنتی و نیز اقامت موقت مهمانان دربار مورد استفاده است. در این زمان bagh-e laleh zar "bagh-e halasah-e pardar" درخت مصنایی است که "لاله های خودرو در آن می روییده و با نرده های چوبی اش از جمله تفرجگاهها به حساب می آمده است" (شهری، ۱۳۸۳، ۲۷۶).

از دیگر جمعیت تهران تا زمان ناصرالدین شاه و گسترش خودانگیخته شهر در خارج از حصار شاه طهماسبی موجب می شود تا در سال ۱۲۸۴ ه.ق. (۱۸۲۰ م.ش.) به دستور ناصرالدین شاه حصار تخریب شده، شهر از چارسوی گسترش یافته و باروی جدید هشت ضلعی ساخته می شود و از این سبب محلات برون شهری نیز داخل شهر قرار می گیرد و تهران که در رقابت با استانبول دارالخلافه عثمانی بود، دارالخلافه ناصری نام می گیرد. با این گسترش، bagh-e laleh zar همراه با bagh-e nkarstan - نزدیکترین bagh های سلطنتی به



نقشه ۲- نقشه تهران در سال ۱۲۷۴ شمسی، (نقشه عبد الغفار) که موقعیت باغ نگارستان، باغ لاله زار و در جوار آن خیابان لاله زار را نشان می دهد.

میان بخش قابل توجهی نصیب میرزا علی اصغر خان اتابک (صدراعظم) می شود (شهری، ۱۳۸۳، ۲۷۶). ایجاد خیابانی با حال و هوای شانزه لیزه، نشان از تجدید طلبی دولت قاجار و دلستگی به فضاهای شهری فرنگی (اروپایی) دارد. خیابانی برای آمدوشد تجدید طلبان و دیگر مردمانی که میل به دیدن فضایی دیگرگونه دارند و این شروعی است برای ایجاد زندگی شهری در خیابان. شانزه لیزه در پاریس جدید مکانی برای جاری شدن زندگی شهری و به صحته در آمدن نمایش های شهری است که بازیگران آن مردمان عادی شهر یعنی شهروندان هستند. خیابان تازه احداث شده در باغ لاله زار می خواهد چنین عرصه ای را در شهر تهران تدارک ببیند. برای ایجاد این خیابان از زمین های خالی بیرون باغ لاله زار استفاده نمی شود (چنانچه از تطبیق نقشه های تهیه شده در آن دوران حاصل می شود)، بلکه بخشی از باغ لاله زار که عملکرد گذشته خود را از دست داده و دیگر در زندگی دربار نقشی ندارد، تبدیل به خیابان می شود. اگر هوسman در بازسازی پاریس قصد بر آن داشت که پاریس را برای گردش کالا و سرمایه فتح مجدد و آن را برای سرمایه داری نوپا مهیا کند، در اینجا دولت قاجار فارغ از اندیشه های تولیدی، در پی تقليدی ساده انگارانه از نقش جدید و تجدید طلبانه خیابان است گوainکه نمی توان بحث سوداگرانه و سودآوری مالی دولت را از نظر دورداشت. زمین باغ که اینک در درون محدوده شهر و در کنار خیابان جدید قرار می گیرد به عنوان کالایی پرسود برای چاکران و مخلسان دولت قاجار مطرح شده و در چرخه سوداگری زمین شهری قرار می گیرد. امری نو در اقتصاد شهری به وقوع می پیوندد. نکته ای که سرنوشت بسیاری از اراضی

با این تعریف و پیدایی "معابر عامه شوسمه"، عبور عراده و کالاسکه چهره ای دیگر به شهر می بخشد. "مهندسان چاک و قیمان چالاک" شهر فرنگی مآب را تدارک می بینند و برآند تا چهره ای فرنگی به شهر بدهند، حصار جدید به شیوه حصارهای شهرهای اروپایی ریخته می شود و خیابان بندی و تسطیح معابر و ایجاد تجهیزات شهری مثل گاز نیز در دستور کار قرار می گیرد. گسترش شهر به سوی شمال، علاوه بر آن که سازمان فضایی ارگ سلطنتی را دیگرگون می کند و خیابان های جدید فرنگی را از اطراف آن عبور می دهد با ایجاد محله ای جدید در مناطق شمالی شهر همراه است که در اثر بزرگ شدن حصار در داخل آن قرار گرفته؛ محله ناصرالدین شاه در سال ۱۸۷۲ میلادی (۱۲۵۲ شمسی) به تشویق صدراعظم خود میرزا حسین خان سپهسالار به فرنگ می رود، در آنجا به ویژه در شانزه لیزه که با حرکت "دسته ای فیل در پیشاپیش موکب همایونی" (امانت، ۱۳۸۳، ۵۵۶) همراه است، پرورد او را گرامی می دارند.

این مراسم چنان در روی اثر نهاد که در بازگشت در صدد "تشکیل شانزه لیزه ای در پایتخت برآمد" (شهری، ۱۳۸۳، ۲۷۶). خیابان لاله زار در باغ لاله زار احداث می شود و باغ لاله زار به نوب هزار تومان فروخته می شود^۳ (هدایت، ۱۳۷۵، ۵). برای عبور خیابان حصار و نرده های باغ خراب کرده و درختان آن بریده می شوند و زمین های آن میان اطرافیان شاه تقسیم می شود و در این



تصویر-۳- میدان توپخانه و دروازه ورودی به خیابان لاله زار که در مرکز
تصویر دیده می شود (۱۲۶۰ شمسی).
ماخذ: (پارسایی، تهمامی، ۱۳۸۳)

است، به میدان توپخانه منتهی می شود. این خیابان‌ها خوب سنگفرش شده و در طول جویباری که در دو طرف خیابان جاری است، درختان فراوانی کاشته بودند. در نزدیکی خیابان‌های مذکور با غهای باصفای سلطنتی واقع شده که بر زیبائی منظره این قسمت بسی افزوده است^۷ (اورسل، ۱۳۵۳، ۱۱۰). در امتداد خیابان و روبروی خانه دکتر تولوزان با چشم عومومی زیبایی (در شمال شرق خیابان لاله زار) تعبیه می شود که به گفته اورسل روی یک بنای مدور کوچک در داخل این پارک، مجسمه ای از نیم تنۀ ناصرالدین شاه را می گذارند (همان، ۱۱۱). هرچند مجسمه خیلی زود از روی سکو برداشته می شود و سکو خالی باقی می ماند (همان). ممنوعیت تندیس و تندیس سازی در اندیشه ایران دوران اسلامی سبب حذف تندیس از فضای شهری آن روزگار می شود و بر عکس، انطباق مفهوم پارک با با غ عمومی سبب پذیرش آن در پهنه شهر می گردد. با وجود این که با غ لاله زار متعلق به شاه بوده و خیابان لاله زار در درون آن احداث می شود، این سوال مطرح می شود که چرا چون الگوی اروپایی آن یعنی شانزه لیزه خیابانی عرض شکل نگفته است و لاله زار خیابانی با عرض نسبتاً باریک است؟^۹ در اوین نگاه شباhtی بین بلوار شانزه لیزه با معابر و سیع میانی و معابر کناری آن و خیابان لاله زار وجود ندارد. ولی آنچه شاه قاجار در پی آن بود نه مفهوم کالبدی که معنای فضایی و روانی خیابان شانزه لیزه بود. او حال و هوای خیابان را در سرداشت و نه شکل کالبدی آن را در جانب

و باغات مرغوب تهران در سال‌های بعد تا هنوز را نیز رقم می زند. با گسترش و ایجاد محله جدید دولت در شمال شهر، جایه جایی مرکز شهر (از سبزه میدان به میدان توپخانه) و به زیر ساخت و ساز رفتن با غ های برون شهری قدیم، که نقش تفرجگاه های بیلاقی بلافصل شهر را برعهده داشتند^۱، دو با غ نگارستان و لاله زار عملکردهای دیگری می یابند. با غ نگارستان نقش دیوانی و حکومتی می یابد (تکمیل همایون، ۱۳۷۸، ۳۶) و مدتی نیز در سال ۱۲۹۸ می.ق. (۱۲۶۴ م.ش.). مکان تبعید مظفر الدین میرزا ویله عهد به دلیل سوء عملش در فتنه عبیدالله کرد در آذر با یان می شود (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۶) در با غ لاله زار نیز "وسایل تفریح و تماشا فراهم" (نجمی، ۱۳۵۶، ۱۵۶) می آید. در قسمت شرقی با غ، با غ وحشی ایجاد می شود. که در آن بسیاری از درندگان و "جانوران جنگل و جبال و صحاری و الواں طیور و انواع وحوش را در حرزهای حصین و قفس های آهینین" نگه می دارند (سیفی فمی، ۱۳۶۹) به نقل از مآثر و الآثار، باب هشتم، ۹۸). هدف از ایجاد با غ وحش بنای گفتۀ اعتماد السلطنه در ابتداء برای نگهداری "طیور و وحوش... برای تعلیم و تعلم علوم طبیعی" (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷، ۱۴۸۳) است اما بعداً چنین تفریحی آن غالب شده و در آنچه برای مردم نمایش های جالبی از حیوانات وحشی رام شده از قبیل شیر و فیل و انواع میمون ها می دهند (نجمی، ۱۳۵۶، ۱۵۶). به دستور کامران میرزا نایب السلطنه تهران در روزهای عید و جشن مثل عید قربان و چهارشنبه آخر سال یا چهارشنبه سوری در نزدیک استخر فراخ و پهناور با غ وحش افراد دسته موذیک فوج مخصوص او آهنگ های ویژه ای اجرا می کردند و با غ لاله زار "مجموع اهل دل و ارباب هوا و هوس و مشتاقان سیر و تماشا" می شد (سیفی فمی، ۱۳۶۹)، ۱۵۱ بدین ترتیب با غ لاله زار در بخش شرقی خود تبدیل به پارک عمومی و محل با غ وحش می شود. عناصری کاملاً نو در شهر تجدید طلب آن روزگاران.

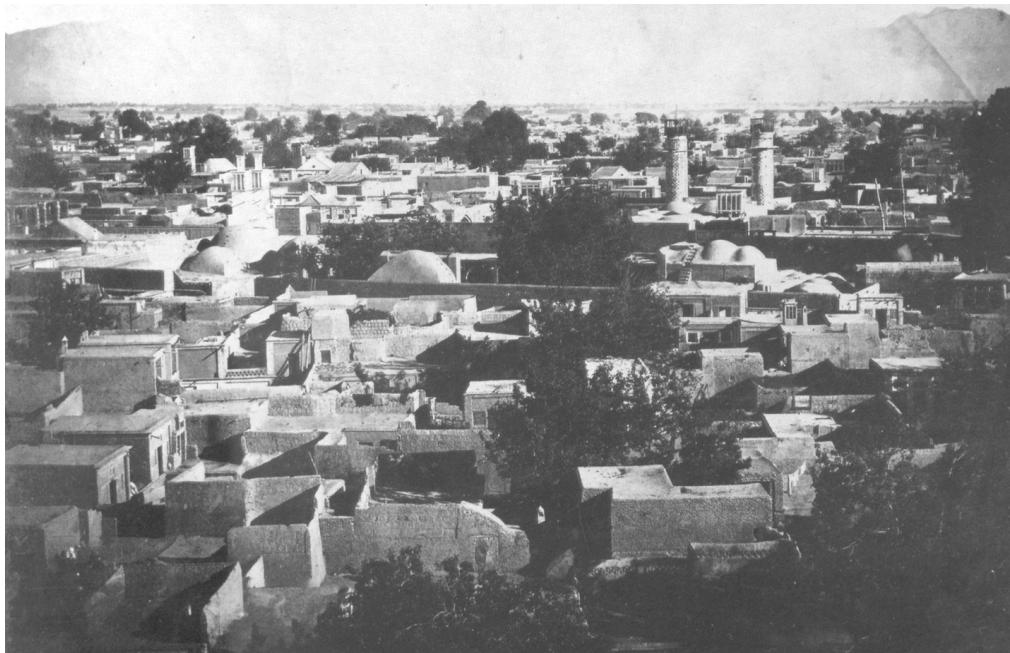
لاله زار خیابان متعددان و تجدد طلبان

خیابان لاله زار که در سمت شرقی خود پارک تازه تأسیس را دارد و در سمت غربی خود دیگر کاربری های شهری را تدارک می بیند، میل آن دارد که حال و هوایی از خیابان های اروپایی به خصوص شانزه لیزه را تداعی کند. و هم از این سبب کارکردها، کاربری ها و تأسیساتی در آن جای می گیرند که بتوانند خاطره ای از خیابان های اروپایی را زنده کنند، با ویژگی هایی از این دست:

الف- ویژگی های کالبدی

۱- دگرگونی کالبدی و شکلی:

در اوین اقدامات پس از احداث خیابان، چون سنت کهن خیابان سازی در ایران، در دو سوی آن درخت کاشته می شود و جوی های آب جاری می شوند^{۱۰}. چنان که اورسل می گوید: "خیابان "دولت" [فردوسی] و خیابان "لاله زار" نیز که هردو خیابان های درازی



تصویر ۴- دید از شمس العماره به طرف شرق که ساختمان‌های با معماری سنتی (سقف صاف و گنبدی) را نشان می‌دهد.
مأخذ: (سمسار، سراییان، ۱۳۸۲)

۲- چراغ‌گاز و زندگی شبانه

خیابان لاله زار را با چراغ‌های گاز روشن می‌کنند، تا زندگی شبانه شهری نیز برای نخستین بار در شهر ایرانی تجربه شود. این نکته‌ای است که اورسل در ۱۸۸۳ میلادی (۱۲۶۲ شمسی) از آن یاد کرده است (اورسل، ۱۳۵۳، ۱۰۳) و در گزارشی که کسی سیاح روس در بازدید از تهران در سال ۱۸۸۷ میلادی (۱۲۶۶ شمسی) دارد، نیز به روشن شدن برخی محلات با چراغ‌گاز اشاره شده است (گزارش ایران، ۱۳۶۳، ۳۰). اعتماد السلطنه در این مورد در سال ۱۲۹۸ م.ق. (۱۲۶۴ م.ش.) چنین می‌نویسد:

"امروز... چراغ‌گاز باید مفتوح شود و شاه در افتتاح حضور به هم رسانند. چراغ مفتوح شد. تشریفات فراهم آمد، شاه نرفت. تفصیل اینست: در سفر دوم فرنگ شاه میل کردند که در طهران ایجاد چراغ‌گاز شود بسبک فرنگستان. اما از کیسه خود خرج نفرمایند. بنا شد ثلثی از مخارج را سپهسالار بدهد، ثلث دیگر را امین‌الملک، ثلثی شاه. امین‌الملک که به بردن منعطف جزئی در پیدا کردن شخصی موسوم به فابیوس بوatal خود را کنار کشید. شاه بیست و چهار هزار تومان، سپهسالار بگفته خود هفتاد هزار تومان بدفعات مختلف، فابیوس هم و عده روشن کردن چراغ مذکور را دادند و از عهدہ برآمد. بالاخره تأکیدات بلکه تهدیدات تا روز افتتاح شنبه یازدهم مقرر شد. معتمد‌الملک که از طرف سپهسالار حاکم خراسان مناسبت برادری و سمت وکالت دارد در طهران است. تشریفات زیاد از هر قبیل فراهم آوردن. میدان توپخانه را آرایش دادند. بیرق زندن. چادرها افراشتند. موزیک‌انچیان اخبار دادند. شربت و شیرینی [او] اقسام میوه فراهم اوردن. وجه نقد و شالی هم بجهت پیشکش آستان پادشاهی



تصویر ۵- دید از مسجد سپهسالار به طرف شمال که خیابان لاله زار را در انتهای تصویر نشان می‌دهد. ساختمان‌های با سقف شیروانی و نمای آجرسنگ نما مشخصه محله دولت در تصویر دیده می‌شوند.
مأخذ: (پارسایی، تهمی، ۱۳۸۲)

شرقی خیابان، باغ لاله زار قرار گرفته است. در جانب غربی در ابتدای خیابان مغازه‌ای احداث می‌شود، اما بعد از آن خانه‌های متعلق به دولتمندان و خارجیان است که محوطهٔ غربی کنار خیابان را اشغال می‌کند. این خانه‌ها با "سردرها و ازاره‌هایی که با آجرهای سنگ نما ساخته شده" و با "بامهای شیروانی" که "تا آن زمان رایج نبود" (سیفی فمی تفرضی، ۱۳۶۹، ۱۰۶) (زیبایی شناسی جدیدی را در مقیاس شهری مطرح می‌کنند و خط آسمان و خط زمین تازه‌ای را در کناره خیابان تعریف می‌کنند که تا آن زمان بی‌سابقه است و شکل و شمایلی فرنگی دارد. هرچند بدنه خیابان که به مرور شکل گرفته مانند شانزه لیزه از اسلوب واحدی پیروی نمی‌کند و معماری متنوعی دارد (برد و وستون، ۱۳۶۸، ۷۶).

استفاده از زمان دگرگون می شود - مفهومی پایه ای در شهر تجدیدطلب - گوینکه هیچ ضرورت تولیدی دگرگونی مفهوم زمان را در ایران آن روزگار طرح نمی کند، هیچ ضرورت اجتماعی این تغییر را طلب نمی کند، هیچ فعالیت فرهنگی و یا اقتصادی امتداد زندگی روزانه در طول شب را خواستار نیست ولی طعم و مزه زندگی شبانه شهری در شهر تجدیدطلب احساس شده است، با اینکه زندگی شبانه در مفهوم اروپایی آن هنوز جایی برای تبلور یافتن ندارد، حضور مردمان تا پاسی از شب رفته^۱ در خیابان لاله زار نشان از پذیرش آن در زندگی شهری دارد. حضور فرد در شب شهر، آن هم برای اقتشار خاصی از جامعه و به خصوص مردان، زندگی شبانه را به عنوان بخشی از زندگی شهری طرح می کند.^۲

۳- حضور واگن اسبی

واگن اسبی از دیگر مظاهر توپردازی (مدرنیزاسیون) از بالا نیز جای پای خود را در لاله زار باز می کند. واگن اسبی وسیله ای تفریحی در خیابان لاله زار است. در این مورد جعفر شهری می نویسد: واگن سواری "تا آن اندازه لذید و دلچسب می آمد که کمتر امکان داشت کسی به آن دسترسی داشته، اگرچه خود صاحب اسب و درشکه شخصی بوده باشد و بتواند از آن صرف نظر کند (شهری، ۱۳۷۱، ۳۲۸). واگن اسبی در حیات مدرن شهری پاریس، وسیله ای برای سرعت بخشیدن به جریان نیروی کار و گردش کالا و سرمایه بود. اما در تهران، وسیله ای است برای تفریح و اسبابی برای بازی بزرگسالان. راه انداختن واگن اسبی نیز قدمی در راستای اروپایی شدن شهر است و برای آن که خیابان، حال و هوای خیابان اروپایی را بیابد. گوینکه حضور واگن اسبی در شهر اروپایی منطبق بر منطق زندگی جدید شهری بود و مفهوم فراغتی را نیز در خود داشت ولی جریانی که مشوق راه اندازی واگن اسبی در شهر اروپایی می گردد، بر مبنای منافع سرمایه داری نوپا و بهره برداری از وسائل آمدوشد سریع برای تولید و توزیع و مصرف کالا و سرمایه قرار دارد و کارایی و بازدهی مداوم این وسائل را مد نظر دارد و از این رو مدیریت تعمیر و نگهداری، و گسترش آن بخشی از این جریان است. ولی در غیاب دگرگونی سازمان تولید در ایران آن روزگار، نگاه تفتنی به واگن اسبی و این که واگن اسبی وسیله ای تفریحی و برای گردشگری و گذران اوقات مفرح است، طبیعی به نظر می رسد. در اینجا راه اندازی واگن اسبی از همان منطق تقلید ساده انگارانه از زندگی شهری اروپایی حکایت دارد و بی تردید نگاه سوداگرانه و بهره برداری مالی تنی چند از چاکران و مخلصان دربار و درگاه را نیز نمی توان فراموش کرد. گوینکه حضور واگن اسبی به معنای توجه به نقش آمد و شد عمومی در زندگی شهری نیست ولی شکی در این نیست که مفهوم آمد و شد عمومی در معنای تجدیدطلبانه آن را در شهر طرح می کند. چگونگی راه اندازی واگن اسبی از نوشته اعتماد السلطنه نیز خالی از لطف نیست:

حاضر کردند... علی الغفله موقوف فرمودند... و شاهزاده ها را مأمور افتتاح فرمودند و خود نرفتند... معروف است که نایب السلطنه بواسطه عداوت با سپه سالار و کنت بجهت دشمنی که با شخص فابیوس دارند شاه را ترسانده بودند که جمعیت واژد حام زیاد است. اگر تشریف بیاورید بیم خطر است" (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۶، ۱۱۹). به نظر می رسد خیابان جدید با مفهوم تجدیدطلبانه خود در میان مردم شهر جای خود را باز کرده است. جمعیت زیاد و ازدحام، آمد و شد، واقعه ها و حادثه ها؛ خیابان در شروع خود حال و هوایی این چنین را می نمایاند و دولت خود مشوق این امر است. حیات مدنی در مفهوم غربی در تعارض با مفهوم "کورباش، دورباش" شرقی قرار می گیرد و شاه در عرصه عمومی حضور نمی یابد. عرصه عمومی طلب شده از بالا، به هنگام تولد خود موجب هراس آفریننده اش می شود.

مفهوم حیات شبانه در شهر اروپایی سبب ایجاد چراغ گاز به عنوان بخشی از توپردازی (مدرنیزاسیون) از بالا مطرح می شود. حضور مردمان در زندگی شبانه شهر گوینکه با ضرورت های زندگی شهری مردمان و جریان تولید ایران آن روز در تعارض است و به عنوان امری حاشیه ای و خارج از عرف و ضرورت ها تلقی می شود و امکان وقوع آن، مردمان را به بهره برداری از آن وا می دارد. اما چون همیشه، به سبب آن که مردمان در ضرورت تولید فضای شهری دخالتی ندارند و آن را امری دولتی می پنداشند، خود را در چگونگی استفاده و مدیریت و نگهداری آن دخیل نمایند و در مواردی بسیار در آسیب رساندن به تأسیسات و تجهیزات آن نیز مؤثر می افتد و سبب می گرددند تا... "لوله های فانوس های خیابان توسط اهالی قطع و خراب و روشنایی آن منحصر به اندرون و حیاطهای آن گردد" (شهری، ۱۳۸۳، ۲۲۴). تأکید بر توپردازی از بالا و عدم درک این امر هم از سوی مردمان و هم از سوی مسئولان سبب ساز نبود مدیریت و نگهداری فضای شهری و از کار افتادن تجهیزات، فرسودگی و در نتیجه عدم کارآیی آنها می شود. گرتروند بل در توصیفی که از وضعیت چراغ ها می کند، می نویسد: "تیرهای کچ چراغ ها با حالتی ناخوشایند و پرخاشگر در مقابل شکل مخصوص زندگی مردم مشرق زمین قرار گرفته اند" (گرتروند بل، به نقل از تکمیل همایون، ۱۳۷۸، ۳۵). به نظر می رسد که این سیاح به خوبی دریافتہ است که توپردازی (مدرنیزاسیون) از بالا و عدم درک ضرورت آن از سوی جامعه چگونه به ناهنجاری های کالبدی می انجامد. او به خوبی تعارض بین زندگی شهری معمول در ایران آن روز، نمادهای کالبدی شهر اروپایی را دریافتہ است. نمادهای عناصری که برای تلفیق و ترکیب با زندگی روزمره مردمان نیاز به زمان دارند. اندکی بعد چراغ های نفتی را به طور موقت و نامطمئن بر آنها [پایه های چراغ کاز] قرار می دهند (کرزن، ۱۳۴۹، ۴۰۷).

با پیدایی زندگی شبانه شهری و در غیبت این نوع زندگی جمعی شبانه در فرهنگ سرزمینی و در زمانه خود، تعارض اصلی در چگونگی گذران اوقات فراغت مردمان شهر آغاز می گردد. نحوه

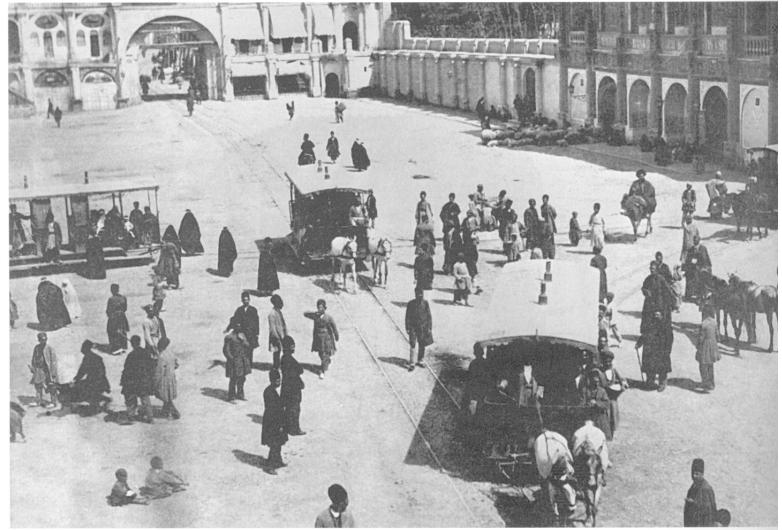
ب-فضای شهری، ویژگی‌ها و دگرگونی‌ها

۱. حضور خیابان در شهر

شاه قاجار در پی گردشگاهی به سبک شانزه لیزه بود و در آن نیز موفق بود. از این رو لاله زار به سرعت به گردشگاه اصلی تهران تبدیل شد و مردمان شهر برای حضور در واقعه‌ها و حادثه‌ها -خواه بازیگر یا تماشاگر- بدان روی آوردند. لاله زار به سرعت در قصه شهر تهران جای می‌گیرد و خود را وی دیگر قصه‌های شهری می‌گردد. هاین‌ریش بروگش که در سال ۱۸۸۶ میلادی، ۱۲۶۵ ه.ش. در اوخر سلطنت ناصرالدین شاه به تهران آمده منظره خیابان لاله زار را در آن دوره چنین توصیف می‌کند: "مردان و زنان جدا از هم" در خیابان مشجر لاله زار "با قدمهای آهسته گردش می‌کنند". در خیابان لاله زار دسته‌های زنان "خود را با چادر پوشانده و روی سبزه‌ها در کنار بوته‌های گل نشسته و هوای پر طراوت بهاری را استنشاق می‌کنند. مردان آنسوتور قدم می‌زنند. غالباً دست در دست یکدیگر دارند و زیرچشمی زنان را ورانداز می‌کنند... عده‌ای دیگر کنار جوی آب نشسته و به جریان آب چشم دوخته‌اند... در طرفی دیگر عده‌ای دور سماور جمع شده و مشغول نوشیدن چای هستند و یا با قلیان تنبکوی شیراز می‌کشند..." (بروگش، ۱۳۷۴، ۱۱۹). خیابان فرنگی مورد نظر شاه قاجار، حال و هوایی کاملاً ایرانی و شرقی یافته است. دو جریان تمدنی در لاله زار به گفتگو می‌نشینند.

از آچه در توصیف خیابان لاله زار باقی مانده است می‌توان حدس زد که این خیابان در دوران ناصرالدین شاه که دوران آغاز شکل گیری آن است، خیابان مشجر سنجفرشی است که هنوز پیرامونش را باع و باگچه‌هایی که در اثر تقسیم باع لاله زار و فروش آن به وجود آورده‌اند، پوشانده‌اند. در درون باع‌ها و باگچه‌ها، عمارت‌های زیبا ساخته شده‌اند. باع و خانه‌هایی که بیشتر به قصر شباهت دارند" (برد و هارولد، ۱۳۷۶، ۶۱). لاله‌زار آن زمان "از یک طرف به صحراء و حاشیه‌های ساخته نشده کنار بارو می‌رسد (هدایت، ۱۳۲۹) و از طرف دیگر به میدان توپخانه و نقش گردشگاه دارد. جز مغازه‌ابتدای خیابان که اجنباس خارجی می‌فروشد، خیابان هنوز خصلت تجاری نیافته است و تفرجگاه مردمان تهران در درون حصارهای شهر است. این نکته را از نقشه حاج عبدالغفار نیز که در سال ۱۳۰۹ ه.ش. (۱۲۷۴). ترسیم شده است، می‌توان دریافت. با توجه به همین موقعیت خیابان است که تولوزان پزشک مخصوص ناصرالدین شاه و بعدها کنت دو مونت فرت رئیس جدید نظمه، دو نماد تجدید طلبی [پزشکی جدید و پلیس] در آن مستقر می‌شوند".

اوین گام برای ایجاد خیابانی مدرن، روحیه اروپایی آن است که پس از تولد خیابان لاله زار در آن رخساره می‌نماید. در میل شاه به داشتن خیابانی به سبک خیابان‌های اروپایی و نوپرداز از بالا هنوز چهره توسعه گر مدرن که برمن در فاواست گوته آن را



تصویر ۴ - واگن اسبی و خط آن در میدان توپخانه، ورودی لاله‌زار.

مائذ: (پارسایی، تهمی، ۱۳۸۳).

امروز شاه به مسیو دنی که طراموای ساخته و واویلا به شهر انداخته حضور آمده بود می‌فرمودند چرا خطوط آهن که گذاشته‌ای برای عبور و مرور پیاده و کالسکه اصلاح نمی‌کنی؛ با وجودی که قرارنامه تو است؟ مسیو دنی گفت در قرارنامه نیست. شاه فرمود برفرض ما خط‌کرده باشیم و در قرارنامه ترا مسئول نکرده باشیم انصاف توکجا رفته است که چنین خبطی که ما کردیم تو غنیمت می‌شمری؟ بعد از این عجز‌دنی قبول نمود که راه را بسازد. من اگرچه متوجه بودم اما زیر لب پوزخند می‌زدم که شاه ایران بخط خود اعتراف می‌نمایند. در صورتی که اصلاح این کار آسان بود. وزیر اعظم شش هزار تومان از دنی گرفته است و این امتنی را به او داده است. حالا باید شاه ما تملق نماید" (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۶، ۶۹۳).

کم رنگ بودن نقش واگن اسبی در جریان گردش کالا و سرمایه و حمل و نقل عمومی شهر، سبب می‌گردد که چون امری خاطره‌ای در ذهن شهر باقی ماند گواینکه آثار آن به عنوان عنصری زائد در اقدامات بعدی مدرنیزاسیون از بالا از سطح شهر پاک می‌شود. در دوران رضا شاه و بهانه گران بودن هزینه نگهداری واگن اسبی، آن را تعطیل می‌کنند^{۱۲}. مهم نبودن نقش این عنصر پایه‌ای در حیات شهر اروپایی در زندگی شهر ایرانی، علی‌رغم تجدید طلبی آن، سبب می‌شود تا مدیریت و نگهداری شایسته‌ای از آن صورت نگیرد. تفتنی بودن آن سبب می‌شود که چون بازیچه‌ای مورد استفاده باشد و با آمدن بازیچه‌ای جدیدتر، اتوبیل، به کناری نهاده شود و کسی به فکر کارایی مداوم آن نباشد. نوآوری اروپایی در تکامل وسایل آمد و شد و تفتنی ماندن آن در زندگی شهر متعدد ایرانی، به دوران‌داختن واگن اسبی منجر می‌شود. فرسودگی تدریجی واگن اسبی را گرتوود بل که در سال ۱۸۹۳ میلادی (۱۲۷۲ شمسی) یعنی در اوخر دوران ناصرالدین شاه در تهران بوده است، چنین توصیف می‌کند: "در این خیابانها تراموای اسبی اروپایی کثیف و مواظبت نشده است" (گرتوود بل، به نقل از تکمیل همایون، ۳۵، ۱۳۷۸).

چارچوب مشخص در درون شهر شکل می‌گیرد. هم طبیعت رام نشده و هم حیوانات وحشی در دید و دسترس شهربنشین تهرانی قرار می‌گیرد و او هم مبهوت و هم مشتاق با آنها رو برو می‌شود. او مجبور به کشف مجدد شهر و عناصر جدید آن است، عناصری که هیچگاه در خاطره جمعی و سنتی او جای نداشته است و بنابراین چاره‌ای ندارد که بار دیگر خود و شهر را تعریف کند و شهر و خود را بازخوانی کند. نوپردازی از بالا، با سرعتی شگفت‌انگیز سبب ساز نوپردازی از پایین می‌شود. تندیس عینی شاه قاجار از میانه پارک برداشته می‌شود اما تصور توسعه شکلی و مدام او در ذهن شهربنشین تهرانی جای می‌گیرد تا تهران دیگر نه خود را با شهرهای کشورهای پیرامونی که با شهرهای اروپایی مقایسه نماید.

نوپردازی از بالا سبب ساز رویدادهای نویی می‌شود و شاید بتوان مهم ترین آنها در فضای شهر نوپرداز را در باز شدن پای زنان به زندگی شهری دانست. زنانی که هنوز در چارچوب زندگی سنتی گام بر می‌دارند و از هم عرض قوارگفتان با مردان ابا دارند و در قسمت شرقی خیابان جدای از مردان قدم می‌زنند، حضور مستقل خود را در فضای شهر اعلام می‌کنند، حضوری که از زمانه‌های بعد عمیقاً احساس می‌شود. قدم زدن در عرصه عمومی شهر به قصد تفرج برای زنان که تا قبل از آن جز برای انجام امور ضروری، خرید، دیدن اقوام و یا زیارت از خانه خارج نمی‌شدند، امری است تازه و اطواری است به غایت مدرن. جنس شهر با حضور زن در عرصه‌های عمومی دگرگون می‌شود. چهره شهر تغییر می‌یابد و تصور مردمان از شهر دگرگون می‌شود و این آغاز است. شهر و فضاهای آن از تعلق داشتن به مردان رهایی می‌یابد. تغییرات کالبدی، فضایی و شکلی شهر، دگرگونی های روانی، هنجاری و محتوایی شهر را سبب می‌شود و در فاصله‌ای نه چندان دور از اقدامات شکلی دوران ناصری، پیش لرده های انقلاب مشروطیت شروع دگرگونی های بنیادی را اعلام می‌دارد.

تصویر می‌کند و در شهرسازان قرن نوزدهم و بیست مانند اوسمان^{۱۲} و موزز^{۱۴} نمود می‌یابد (برمن، ۱۳۷۹)، دیده نمی‌شود. هنوز راهی دراز برای پیدایی این توسعه گر در پیش است. خیابان درپی باز تعریف روابط اجتماعی و شهری نیست، خیابان برای آن شکل می‌گیرد که دولت قاجار نیز می‌خواهد در روزگاران خود محملي برای جهانی شدن داشته باشد. خیابان برای تشفی خاطر ملوکانه شکل می‌گیرد. مدرنیزاسیون از بالا می‌خواهد شکل مفرح زندگی اروپایی را در شهر ایجاد کند، او غافل از جنبه‌های تولیدی، اجتماعی فرهنگی، اقتصادی سیاسی است که مبنای این شکل زندگی شهری است. دولت قاجار در پی دگرگونی شکلی است و رغبتی به دگرگونی های محتوایی ندارد و می‌خواهد نسیمی از مدرنیته اروپایی را از دریچه کوچکی وارد کند تا در لابلای درختان استوار سنت بوزد. او نه می‌خواهد و نه می‌تواند سبب ساز طوفان مدرنیته شود، طوفانی که درختان را از ریشه برکند و جان‌ها و روح‌های مردمان را در هم نورد و آنها را در سیل بنیان کن شیوه های جدید زیست و تولید عرق کند. از همین رواست که خیابان به اطوار فرنگی روی می‌آورد و هر آنچه را که در خود جای می‌دهد برای هرچه کامل کردن این فرنگی مأبی است. فرنگ رفتگان آن روزگاران می‌خواهند خاطره های خود از شهر اروپایی را در فضایی بومی، ایجاد کنند. امری که خود موج خاطرات و خطرات جدیدی برای شهر ایرانی می‌گردد.

۲. حضور شهر در ذهن شهربنشین

در این خیابان با فضایی بیش و کم ناآشنا با زندگی مرسوم مردمان شهر، عناصری پدیدار می‌شوند که حکایت از شیوه‌های "نو" در زندگی شهری دارند. باغ وحش در جوار لاله زار خود از مظاہر شهر مدرن آن روزگاران است: طبیعت وحش که انسان از آن در زندگی واقعی اش فاصله گرفته است، اینک در قالب جدیدی در معرض دید قرار می‌گیرد. پارک نمودی دیگر از زندگی شهر مدرن است: باغ برون شهری حکومتی که به تدریج رشد یافته به درون شهر کشیده می‌شود، قاب گرفته می‌شود و فضای طبیعی در

نتیجه

برداری از آن می‌شود. در تحول ایجاد شده، شکل و شمایل به اطوار فرنگی یافتن به ارزشی مبدل می‌شود که از ظاهر و پوشش تا طرح توسعه شهری می‌توان آن را دید. گرچه منش ایرانی سعی می‌کند اطوار فرنگی را خودی سازد و سیاقی نور افکند. ارزش یافتن اطوار فرنگی به خصوص با توجه به زرق و برق فریبندۀ توسعه شهری در اروپا، معنا و مفهوم پیدا می‌کند. لندن

اراده‌ای که از زمان عباس میرزا برای ارتباط با جهان غرب و درک عوامل عقب ماندگی به ویژه نظامی و آشنازی با تمدن غربی پیدا می‌شود، با گسترش تماس‌ها و مراودات به ویژه در دوران ناصرالدین شاه به اوج خود می‌رسد. در این دوران است که بسیاری از دستاوردهای تمدن غرب از وسایل منزل گرفته تا کارخانه وارد شده و اگر واردشدنی نیست، سعی در تقلید یا گرته

هنوز نام کهن "الله زار" را برخود دارد تا شبی از باگ ریشه دار ایرانی در ذهن بنشیند، را می سازند و پارک و باگ و باش و تفرجگاه زنان و مردان، کاربری آن را شکل می دهدن. فضایی متعدد شکل گرفته است تا خواست ملوکانه برای ایجاد خیابان اروپایی برآورده شود. آنچه غایب است سازگاری صورت و محتواست. لباس نو بر تن کهنسال شهر، عاریتی است و در غیبت علاقه جمعی به این لباس پیشکشی، اینجا و آجایش فرسوده می شود. تن کهنسال باید خود از نو زنده شود تا لباس نو بر قامتش راست بیاید. اطوار فرنگی ممکن است خوشامد برخی مردمان باشد، اما هنوز خواست عامه آنان نیست.

و پاریس قرن نوزدهم همان گونه که شاعران و نویسندهان و ساکنان آن سرزمین ها را مبهوت دستاوردهای دوران مدرنشان می کنند، دیگران را نیز از داستایوسکی (برمن، ۱۳۷۹) تا ناصرالدین شاه شیفتۀ خود می سازند. از همین رو است که این پادشاه سرزمین کهنسال ایران در بازگشت از سفر خود به دیار فرنگ بر آن می آید تا طرحی نو با الهام از فضای فریبنده شانزهله‌یزه در دارالخلافه خود در اندازد و آن را با اسباب و لوازم مدرن بیاراید.

سنگفرش خیابان، چراغ گاز، تراموای اسبی، بنای‌های چهره به برون گشوده با آجرنما و سقف شیروانی، کالبد این فضای نو که

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ گرچه به نظر می‌رسد لازم است تحقیق جداگانه‌ای در مورد تبریز در زمان ولایت‌عهدی عباس میرزا انجام شود. شاید بتوان ردپایی از دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی دوران مکتب تبریز را در حوزه زندگی شهری نیز یافته.
- ۲ به گفته ژاک موریه با غنگارستان در این سال در حال ساخت بوده است.
- ۳ رک، به حبیبی، اهری، ۱۲۸۵.
- ۴ لرد کرزن نیز به فروخته شدن باع لاله زار و کشیدن خیابان در خاطرات خود اشاره کرده است. نکته مهم این است که اگر کل باع فروخته شده است، چطور در نقشه عبدالغفار که در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار ترسیم شده است، هنوز باع لاله زار بخش بزرگی از قسمت شرقی خیابان را می‌پوشاند. شاید جواب این باشد که بخشی از باع لاله زار با توصیفی که از آن آمده که محل رشد لاله‌های خودرو بوده فروخته شده و بقیه آن در مایملک شاه باقی مانده و در اوایل سلطنت قاجار فروخته می‌شود. به هر حال پاسخ این سوال هنوز روشن نیست. هرچند نکته‌ای که مخبرالسلطنه هدایت در کتابش اشاره می‌کند به نوعی مؤید فرض فوق است وی می‌گوید که "الله زار با غای بود بین خیابان لاله زار و میدانی در متمم خیابان اسلام‌مobil و خیابان ماشین" (هدایت، ۱۳۷۵، ۵). این اشاره حکایت از آن دارد که در زمانی که وی می‌زیسته که او اخیر دوره ناصرالدین شاه را دیده است، خیابان لاله زار در کنار باع احداث شده بود.
- ۵ در ۱۲۵۷ه.ش. (۱۲۹۱ق.) باع عشرت آباد در آن سوی شمالی خندق شمالی ساخته شده و جانشین باع نگارستان، یعنی باع سلطنتی برون شهری در محدوده بلافضل شهر می‌شود (رک. به: انوار، ۱۳۷۲، ۲۷).
- ۶ ایجاد جوی آب نشان از آمیختگی دو مفهوم شرقی و غربی خیابان دارد. در مفهوم اروپایی یا غربی خیابان جوی آب و گذر آب از کناره خیابان معنایی ندارد. در مفهوم شرقی یا ایرانی، درختکاری و جوی آب از مشخصات خیابان مکتب اصفهان است که از زمان شاه عباس صفوی به صورت طراحی شده در چهارباغ اصفهان ایجاد شده و در طرح های شهرسازی پس از آن تکرار می‌شود. به همین دلیل علی رغم فرنگی مابی دولت قاجار خیابانی با در هم آمیختن الگوهای فرنگی و ایرانی ایجاد می‌شود.
- ۷ شاید در رخت‌های دو طرف خیابان، درختان درون خیابان‌های باع باشند. به عبارتی شاید خیابان لاله زار منطبق با یکی از خیابان‌های باع باشد.
- ۸ طبق نقشه عبدالغفار خانه دکتر تولوزان در خیابان علاء الدوله است و روپرتو پارک کنست دو مونت فرت یا پارک درون خیابان لاله زار سکونت خانه کنست دو مونت فرت یا پلیس نظمیه قرار دارد. مشخص نیست که آیا در زمانی که اورسل در تهران بوده دکتر تولوزان در خیابان لاله زار سکونت داشته و بعداً به خیابان علاء الدوله نقل مکان کرده یا اینکه اورسل اشتباه کرده است که بینتر نمی‌رسد این نکته درست باشد چون بقیه اطلاعاتی که در مورد خیابان لاله زار می‌دهد مقرر به صحت است. نکته دیگری که مؤید فرض فوق است، اشاره مادام دیولاووا است که در کتابش ضمن ترسیم طرح خانه دکتر تولوزان می‌نویسد که از محل سکونتگاهش که صومعه خواهران سن و نسان دوبل (که در یکی از کوچه‌های فرعی لاله زار بوده است) تا خانه دکتر تولوزان راه کمی است که همسر بیمارش می‌تواند پیاده طی کند (دیولاووا، ۱۳۶۹-۱۲۷۲).
- ۹ اگر خیابان منطبق با یکی از خیابان‌های درون باع باشد در این صورت باریک بودن نسبی آن توجیه کافی دارد.
- ۱۰ بیرون ارک از ساعت پنج از شب گذشته عبور ممنوع بود و بالغ بر یکصد قراولخانه در هر کوی و بزرگ برای اینکار کشیک داشتند و پاسداران عابران متخلف را گرفته تا صبح در قراولخانه بازمیداشتند (معیرالممالک، ۱۳۶۲، ۲۶). فقط در ایام عاشورا و ماه رمضان عبور و مرور شباهادر شهر آزاد بود (همان، ۶۴-۶۸).
- ۱۱ در مورد نبود شرایط زندگی شباهن به شیوه مدرن غربی اشن در تهران چنان که اورسل که در سال ۱۲۶۱ شمسی در ایران بوده می‌گوید "شاه بعد از مراجعت از اروپا دستور داد چند تائی قهوه خانه دایر شود. حتی اخیراً رستوران بزرگی تأسیس شد که به وسیله یکی از شاهزادگان طراز اول رسماً افتتاح گردید. اما علیرغم حمایت مقامات عالی کار نکرد و ورشکسته شد. اکنون از این نوع رستوران ها فقط یکی به نام حوضخانه در خیابان دولت باقیمانده که پاتوق افسران و ارمینی های خوشگذران است، ولی اروپایی های متخصص رفت و آمد به آنجارا دون شان خود می دانند" (اورسل، ۱۳۵۳، ۱۱۶). طبیعی است که عناصر شهری اروپایی مثل رستوران که محل های تفریح شباهن می‌توانستند باشند، موفق نمی‌شوند و زندگی به شیوه بلوارهای پاریسی در این زمان اتفاق نمی‌افتد.
- ۱۲ چنان که مرتضی سیفی فمی تفرضی می‌گوید: "نظر به این که در سال ۱۳۰۸ خورشیدی کمپانی بلژیکی حاضر به قبول پیشنهاد دولت نبود بدیهی (شهرداری) واگن اسبی را جمع کرده خطوط آنرا زیر خاک مدفن ساخت" (سیفی فمی تفرضی، ۱۳۶۹، ۱۷۴).

فهرست منابع:

- اعتمادالسلطنه، محمد حسن (۱۳۶۳)، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، جلد اول، الما ثر والآثار، به کوشش ایرج افشار، اساطیر، تهران.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن (۱۳۵۶)، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، امیرکبیر، تهران.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن (۱۳۶۷)، مرآه البلدان، جلد دوم و سوم، به کوشش ع. نوابی و م. ح. حدث، دانشگاه تهران، تهران.
- امانت، عباس (۱۳۸۳)، قبله عالم: ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران (۱۲۴۷- ۱۳۱۳)، ترجمه حسن کامشاد، کارنامه، مهرگان، تهران.
- انوار، عبدالله (۱۳۷۲)، غرب خیابان لاله زاردر، کتاب تهران، جلد سوم، روشنگران، تهران.
- اورسل، ارنست (۱۳۵۳)، سفرنامه اورسل، ترجمه علی اصغر سعیدی، زوار، تهران.
- برد، اف.ال. و هارولد اف. وستون (۱۳۷۶)، گشت و گذاری در ایران بعد از انقلاب مشروطیت، ترجمه علی اصغر مظہری کرمانی، نشر جانان، تهران.
- برمن، مارشال (۱۳۷۹)، تجربه مدرنیت، ترجمه مراد فرهادپور، طرح نو، تهران.
- بروگش، هانریش (۱۳۶۷)، سفری به دربار سلطان صاحبقران (۱۸۶۱- ۱۸۵۹)، ترجمه مهندس کردبچه، موسسه اطلاعات، تهران.
- بنجامین، ساموئل گرین ویلد (۱۳۶۹)، سفرنامه بنجامین، عصر ناصر الدین شاه، ترجمه محمد حسین کردبچه، جاویدان، تهران.
- پارسایی، محمد مهدی و داریوش تهمامی (۱۳۸۲)، عکس های قدمی تهران، کتاب ۱، بانک قلم، تهران.
- پارسایی، محمد مهدی و داریوش تهمامی (۱۳۸۴)، عکس های قدمی تهران، کتاب ۲، بانک قلم، تهران.
- تمکیل همایون، ناصر (۱۳۷۸)، تاریخ فرهنگی و اجتماعی تهران، جلد دوم دارالخلافه ناصری، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- تهمامی، داریوش و فرهاد ابریشمی (۱۳۸۴)، طهران قدیم - اماکن، ابریشمی فر، تهران.
- تهمامی، داریوش و فرهاد ابریشمی (۱۳۵۰)، گذری بر طهران - عکس های یک قرن تهران (۱۳۵۰- ۱۲۵۰)، میردشتی، تهران.
- دیولاپوا، ژان (۱۳۷۸)، سفرنامه مدام دیولاپوا، ترجمه علی محمد فرهوشی، دانشگاه تهران، تهران.
- ذکاء، یحیی و محمد حسن سمسار (۱۳۷۶)، تهران در تصویر، سرسوش، تهران.
- ریچاردز، فردریک (۱۳۷۹)، سفرنامه فرد ریچاردز، علمی و فرهنگی، تهران.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۳)، مردم و دیدنهاي ايران، ترجمه غلامرضا سمیعی، نشرنو، تهران.
- سیفی فمی، تفرشی، مرتضی (۱۲۶۹)، تهران در آئینه زمان، اقبال، تهران.
- سمسار، محمد حسن و فرهاد سرائیان (۱۳۸۲)، کاخ گلستان (آلیوم خانه)، فهرست عکس های برگزیاه عصر قاجار، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- شهری، جعفر (۱۳۸۲)، طهران قدیم، معین، تهران.
- شهری، جعفر (۱۳۶۹)، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم - زندگی، کسب و کار، رسایل، تهران.
- فیودوروکوف (۱۳۷۲)، سفرنامه بارون فیودوروکوف، ترجمه اسکندر ذبیحیان، مرتضی، تهران.
- کرزن، جرج (۱۳۴۹)، ایران و قضیه ایران، ترجمه ع. وحید مازندرانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- کریمان، حسین (۱۳۵۵)، تهران در گذشته و حال، دانشگاه ملی، تهران.
- گروته، هوگو (۱۳۶۹)، سفرنامه گروته، ترجمه مجید جلیلوند، نشر مرکز، تهران.
- مهریار، محمد و دیگران (۱۳۷۸)، استند تصویری شهرهای ایرانی دوره قاجار، دانشگاه شهید بهشتی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- نجمی، ناصر (۱۳۷۷)، دارالخلافه تهران، امیرکبیر، تهران.
- نجمی، ناصر (۱۳۷۷)، تهران در گذر زمان، گوتبرگ، تهران.
- نجمی، ناصر (۱۳۸۲)، تهران قدیم، نشر ادب، قم.
- نجیسی، سعید (۱۳۵۳)، گفتگوی خانوادگی درباره تهران قدیم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- هدایت، مهدی (۱۳۷۵)، خاطرات و خطرات، توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من، زوار، تهران.
- هدایت، رضاقلی (۱۳۲۹)، روضه الصفا، جلد دهم، حکمت، قم.
- (۱۳۶۲)، گزارش ایران به سال ۱۳۰۵ق. از یک سیاح روس، ترجمه سید عبدالله، به اهتمام محمدرضا نصیری، طهوری، تهران.